

تیغ شدت مصرف انرژی روی گلوله اقتصاد ایران



شناسه خبر: ۱۴۱۵۹۳ شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۱۰:۵۵

بررسی روند شدت مصرف انرژی در ایران و جهان طی ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد درحالی که جهان به سمت کاهش شدت مصرف انرژی حرکت کرده، این مسیر در ایران بالعکس طی شده و بر خلاف جهان، به سمت افزایش شدت مصرف انرژی حرکت کرده‌ایم.

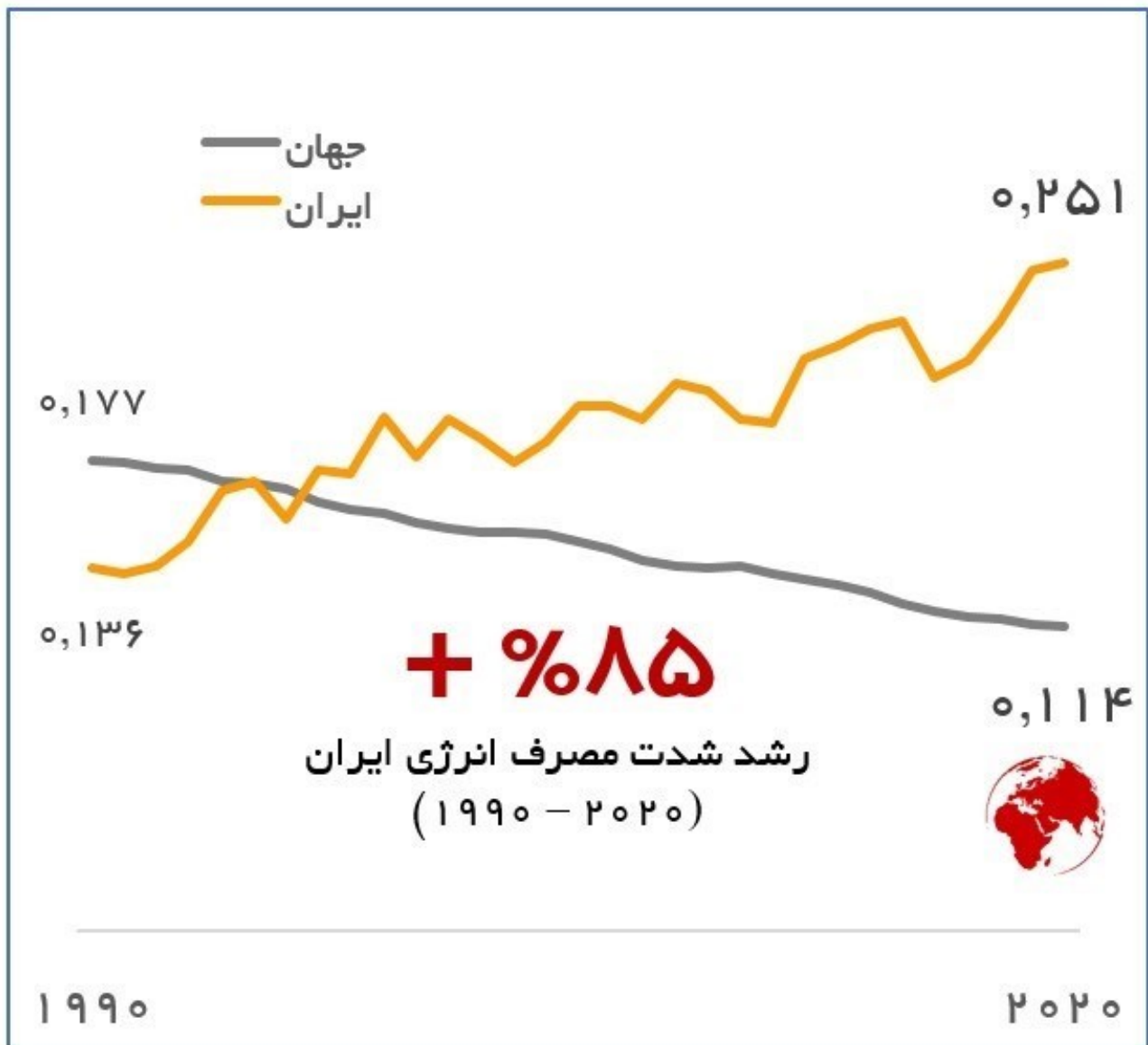
به گزارش خبرنگار اقتصادی موج خبر، اقتصاد روبه‌توسعه ایران یک پاشنه آشیل بزرگ دارد و آن هم "شدت مصرف انرژی" است. شدت بالای مصرف انرژی در ایران، فقط به‌معنای این نیست که ایرانی‌ها مردمی مُسرف هستند، بلکه بیشتر نشان‌دهنده این است که ساختار فعلی حاکم بر توزیع و مصرف انرژی در ایران، ساختار ناکارآمدی است که منجر شده بیش از نیاز طبیعی هر فرد، انرژی مصرف شود و عمده مصارف انرژی کشور در بخش غیرمولد باشد.

در ایران روزانه بر اساس ارزش حرارتی، به طور متوسط معادل 7 میلیون بشکه انرژی مصرف می کنیم و درحالی که چهارمین مصرف کننده گاز جهان و دوازدهمین مصرف کننده نفت جهان هستیم و در مجموع مصارف نفت و گاز ششمین رتبه مصرفی را در جهان داریم، اقتصاد ما اقتصاد بیست و پنجم جهان است. این آمار به معنای این است که انرژی را به حجم بسیار زیاد مصرف می کنیم اما این مصارف بالا، نقشی در رشد اقتصادی کشور ندارد.

ایران با داشتن بیشترین ذخایر نفت و گاز جهان، توانمندی مبتنی بر دانش روز در صنعت برق و گاز، وجود زیرساخت های منحصر به فرد در انتقال و توزیع برق و گاز و نیروی توانمند انسانی باید از "انرژی" به عنوان یک نقطه قوت در معادلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور منتفع شود، اما اکنون دچار ناترازی در بخش های مختلف مرتبط با انرژی هستیم و به عبارتی "انرژی" به جای نقطه قوت، به نقطه ضعف کشور تبدیل شده است.

شدت بالای مصرف انرژی که شامل مصارف بیش از نیاز در بخش های غیرمولد و مصارف غیربهرینه در بخش های مولد است، دلیل تبدیل شدن "انرژی" به نقطه ضعف کشور به جای اتکای اقتصاد به "انرژی" به عنوان نقطه قوت است.

بررسی روند شدت مصرف انرژی در ایران و جهان در طی 30 سال نشان می دهد درحالی که جهان به سمت کاهش شدت مصرف انرژی حرکت کرده، این مسیر در ایران بالعکس طی شده و بر خلاف جهان، به سمت افزایش شدت مصرف انرژی حرکت کرده ایم.



همانطور که در نمودار بالا مشخص است، شدت مصرف انرژی در ایران در 30 سال اخیر رشدی 85 درصدی داشته است؛ در حالی که متوسط شدت مصرف انرژی در همین مدت در جهان کاهش یافته است.

در سال 1389 مصوب شد که شدت مصرف انرژی کشور در برنامه پنجم توسعه 50 درصد کاهش یابد و بعد از عدم تحقق این امر، همین تکلیف برای برنامه ششم توسعه مشخص شد که آن هم محقق نشد.

از دلایل عدم تحقق کاهش شدت مصرف انرژی، با وجود طرح‌ها و برنامه‌های متعددی که تدوین و اجرایی شده، "ارزان بودن انرژی" در ایران است. حامل‌های انرژی امروزه مهمترین فاکتور اقتصادی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و در کشورهای مختلف جهان، از همسایگان آسیایی ما تا کشورهای اروپایی و آمریکایی، حامل‌های انرژی به گونه‌ای

قیمت گذاری شده که مصرف کننده چه در خانه ها و چه در بخش های تجاری و صنعتی، "بهینه سازی مصرف" را در اولویت خود قرار می دهد.

در ایران اما ارزان بودن انرژی موجب شده در هیچ کدام از بخش های مصرفی، چه در نگاه مردم در خانه ها و چه در بخش صنعت و ... "بهینه سازی مصرف انرژی" و "ارتقای بهره وری در بخش انرژی" اولویت نداشته باشد.

اگر در پایان هر سال مطابق تورم اعلامی بانک مرکزی و یا مرکز آمار ایران، میزان انرژی بها نسبت به تعرفه های سالانه در سال بعد افزایش یابد، این به معنای ثابت ماندن تعرفه های انرژی است اما اگر مطابق با آنچه در یک دهه اخیر در ایران حاکم بوده، تعرفه ها برای سالهای متمادی بدون تغییر باقی بماند، بر اساس تورم دو رقمی که در جامعه وجود دارد، هر ساله سهم هزینه های انرژی در سبد خانوار در حال کاهش است و به عبارتی فاکتور مهم انرژی که مصارف بی رویه و غیر بهینه، آن را به پاشنه آشیل اقتصاد کشور تبدیل کرده، سال به سال در ایران در حال ارزان تر شدن است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/